



Professional Identity Transformation in the Teaching Career: A Narrative of the Lived Experience of a Teacher and Teacher Educator in the Iranian Educational System

M R. Alipour^{*1}

¹. Ph.D. in Curriculum Planning, Farhangian University, Hamedan, Iran(Corresponding Author).

ABSTRACT

Keywords:

Student-teacher, classroom observation, educational seminar, communication competence, situation-based learning

Corresponding author:

malipour243@gmail.com

Received:

2026/02/05

Revised:

2026/02/21

Accepted:

2026/02/21

Publisher:

Farhangian University

Article type:

Research Article

Background and Objectives: This study aimed to investigate the transformation of professional identity of an Iranian teacher over a four-decade journey in the context of diverse experiences including teaching, administration, teacher education, and international education.

Methods: This qualitative study employed lived experience analysis and narrative inquiry. Data were collected from reflective notes and professional memoirs of an experienced teacher, as well as his professional documents and career records. Data analysis was conducted in two stages: first, open, axial, and selective coding were used to extract main categories; second, the teacher's professional journey was reconstructed as a linear narrative, and "identity turning points" were identified and analyzed.

Findings: In the open coding stage, 16 open codes were extracted and organized into eight main categories: identity transformation in the context of multiple roles, multiple roles and flexibility, turning points and redefinition of values, redefinition of educational values, personal reflections and self-awareness, reconstruction of professional identity, continuous learning, and love for teaching and learning. The findings were presented as a grounded conceptual model illustrating a cyclical, non-linear process. "Love for teaching and learning" was identified as the central core and driving force of identity transformation.

Conclusion: The transformation of teacher professional identity is a dynamic, cyclical, and meaning-making process shaped through the interaction of lived experiences, multiple roles, personal reflection, and intrinsic love for teaching and learning. These findings can provide valuable practical insights for educational policymakers, teacher education administrators, and professional development planners.

Citation (APA): Alipour, M R. (2026). Professional Identity Transformation in the Teaching Career: A Narrative of the Lived Experience of a Teacher and Teacher Educator in the Iranian Educational System. *The Journal of Teaching Experiences*, 5(2), 88-103

📄 <https://doi.org/10.12345/tej.12.10.112>

فصلنامه تجارب معلمی



تحول هویت حرفه‌ای در مسیر معلمی: روایت تجربه‌ی زیسته‌ی یک معلم و مدرس تربیت معلم در نظام آموزشی ایران

محمد رضا علی پور^۱

۱. دکتری، رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه فرهنگیان، همدان، ایران. (نویسنده مسئول).

چکیده

پیشینه و اهداف: پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی تحول هویت حرفه‌ای یک معلم ایرانی در مسیر چهارده‌ه‌ای و در بستر تجربه‌های متنوع تدریس، مدیریت، تربیت معلم و آموزش بین‌المللی انجام شد.

روش‌ها: این پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل تجربه زیسته و روایت‌پژوهی انجام گرفت. داده‌ها از منابع یادداشت‌های تأملی و خاطرات حرفه‌ای یک معلم باتجربه و مستندات شغلی و سوابق حرفه‌ای وی گردآوری شد. تحلیل داده‌ها در دو مرحله انجام پذیرفت: نخست، با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مقوله‌های اصلی استخراج گردید؛ دوم، مسیر حرفه‌ای معلم در قالب روایت خطی بازسازی و «لحظات عطف هویتی» شناسایی و تحلیل شد.

یافته‌ها: در مرحله کدگذاری باز، ۱۶ کد باز استخراج شد که در قالب هشت مقوله اصلی سازماندهی گردیدند: تحول هویت در بستر نقش‌های چندگانه، نقش‌های چندگانه و انعطاف‌پذیری، لحظات عطف و بازتعریف ارزش‌ها، بازتعریف ارزش‌های آموزشی، تأملات شخصی و خودآگاهی، بازسازی هویت حرفه‌ای، یادگیری مداوم، و عشق به یاد دادن و یاد گرفتن. یافته‌ها در قالب مدل مفهومی داده‌بنیادی ارائه شد که فرایندی چرخه‌ای و غیرخطی را به تصویر می‌کشد. «عشق به یاد دادن و یاد گرفتن» به عنوان هسته مرکزی و موتور محرک تحول هویت شناسایی گردید.

نتیجه‌گیری: تحول هویت حرفه‌ای معلم فرایندی پویا، چرخه‌ای و معناساز است که از تعامل میان تجارب زیسته، نقش‌های چندگانه، تأمل شخصی و عشق درونی به یاددهی-یادگیری شکل می‌گیرد. این یافته‌ها می‌تواند بینش‌های عملی ارزشمندی برای سیاست‌گذاران آموزشی، مدیران تربیت معلم و برنامه‌ریزان توسعه حرفه‌ای فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی:

تجربه زیسته،
تأمل حرفه‌ای،
توسعه حرفه‌ای،
هویت حرفه‌ای معلم.

۱. رایانامه:

malipour243@gmail.com

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۱/۱۶

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۲/۰۲

ناشر: دانشگاه فرهنگیان

نویسندگان.

نوع مقاله: پژوهشی

استناد به این مقاله: علی پور، محمد رضا؛ (۱۴۰۵) تحول هویت حرفه‌ای در مسیر معلمی: روایت تجربه‌ی زیسته یک معلم و مدرس تربیت معلم در نظام آموزشی ایران، نشریه تجارب معلمی، ۵ (۲)، ۸۸-۱۰۲

<https://doi.org/10.48310/istt.2025.20771.1177>

مقدمه

معلمی در فرهنگ ایرانی، همواره صرفاً یک شغل نبوده است؛ رسالتی انسانی و معنوی است که با عشق، اخلاق، دانایی و مسئولیت اجتماعی درهم تنیده است. در سنت و ادبیات این سرزمین، معلم تنها آموزگار دانش نیست؛ او سازنده‌ی جان‌ها، پرورنده‌ی معنا و نگهبان ارزش‌های اخلاقی است. از همین روست که مفهوم معلمی در ایران، به پشتوانه‌ی باورهای فرهنگی و دینی، جایگاهی قدسی و ارجمند یافته است. در این میان، «هویت حرفه‌ای معلم» ساختاری سیال و چندلایه دارد که در بستر تجربه‌های زیسته، تعاملات اجتماعی و تأملات فردی و جمعی شکل می‌گیرد و پیوسته دگرگون می‌شود. بژارد و ورلوپ^۱ (۲۰۰۴).

هویت حرفه‌ای معلم مفهومی فراتر از نقش شغلی است؛ زیرا شامل احساس معنا، تعهد، باورها، ارزش‌ها و درک درونی فرد از «معلم بودن» می‌شود. در این نگاه، معلمی نه صرفاً فرایند انتقال دانش، بلکه سفری درونی و اجتماعی برای یاد دادن و یاد گرفتن مداوم است؛ سفری که در آن، معلم هم‌زمان آموزگار، پژوهشگر، یادگیرنده و کنشگر اجتماعی است. سفری نیازمند بازسازی همیشگی هویت است؛ بازسازی که در برابر تغییرات فرهنگی، سازمانی و اجتماعی شکل می‌گیرد و پایدار می‌ماند. بوشامپ و توماس^۲ (۲۰۲۳).

در دهه‌های اخیر، نظام‌های آموزشی در سطح جهان با تحولات گسترده‌ی روبه‌رو شده‌اند؛ از تغییرات فناورانه و جهانی‌شدن آموزش گرفته تا بازتعریف نقش معلم در جامعه. گسترش فناوری‌های آموزشی، نقش‌آفرینی‌های جدید (نظیر طراح یادگیری، تسهیل‌گر و راهبر)، و پیچیده‌تر شدن موقعیت‌های آموزشی موجب شده است معلمان بیش از پیش درگیر فرایند بازتاب و بازتعریف هویت خود شوند. در چنین شرایطی، مفهوم «تأمل‌ورزی حرفه‌ای» اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا به معلم امکان می‌دهد در پرتو تجربه‌های زیسته، معنا و جهت تازه‌ای برای هویت حرفه‌ای خود بیابد. کلارک^۳ (۲۰۲۲). دی^۴ (۲۰۱۹) نیز بر این باور است که هویت معلم در طول حرفه‌ی کاری، در مواجهه با بحران‌ها و تحولات نهادی دائماً در حال بازتعریف و بازتولید است؛ امری که می‌تواند به رشد درونی، انعطاف و پایداری حرفه‌ای منجر شود.

پژوهش‌های بین‌المللی تأیید می‌کنند که روایت‌گویی و نوشتن روایت‌های شخصی معلمان، خود به مثابه ابزاری برای یادگیری و بازسازی هویت عمل می‌کند. در روایت‌پژوهی، معلمان با بازگویی تجربه‌های زیسته‌ی خود، به درک عمیق‌تری از خویشتن حرفه‌ای خویش می‌رسند و از این طریق مسیر رشد، چالش‌ها و معناهای ضمنی کار خود را بهتر می‌شناسند. کلارک^۳ (۲۰۲۲)؛ وانگ و ژانگ^۵ (۲۰۲۳). این فرایند روایی، معلم را از موقعیت یک «فاعل کنشگر» به «فاعل تأمل‌گر» ارتقا می‌دهد و هویت او را از سطح صرفاً عملکردی به سطح تفسیری و ارزشی می‌کشاند. در همین راستا، مطالعات جدید نشان داده‌اند که تجربه‌های طولانی و چندسویه‌ی معلمان، به ویژه کسانی که نقش‌های مدیریتی و تدریسی متنوع دارند، موجب بازتعریف هویت حرفه‌ای و افزایش انعطاف شغلی آنان می‌شود. جانسون و لیوو^۶ (۲۰۲۴).

مطالعات داخلی نیز بر این نکته تأکید دارند که تجربه‌ی زیسته، عنصری محوری در شکل‌گیری و تحول هویت حرفه‌ای معلمان است. پژوهش‌هایی مانند نظری و همکاران^۷ (۱۴۰۲) و کریمی^۸ (۱۴۰۳) نشان داده‌اند که

1. Beijaard & Verloop

2. Beauchamp & Thomas

3. Clarke

4. Day

5. Wang, & Zhang

6. Johnson & Luo,

عشق به تدریس و تعهد درونی به یادگیری، از مؤلفه‌های بنیادین هویت حرفه‌ای معلمان باتجربه به‌شمار می‌روند. به بیان دیگر، هویت حرفه‌ای محصول ترکیب میان تجربه، احساس، تفکر و تعامل اجتماعی است و نمی‌توان آن را صرفاً نتیجه‌ی آموزش رسمی دانست.

این نگاه زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به زمینه‌ی ایران توجه کنیم: در ایران نیز دگرگونی‌های ساختاری در آموزش و پرورش، تغییر مأموریت دانشگاه فرهنگیان و فشارهای سیاست‌های کلان آموزشی، معلمان را با پرسش‌های تازه‌ای درباره‌ی معنای معلمی و جایگاه حرفه‌ای خود روبه‌رو کرده است رحیمی و حسینی (۱۴۰۳). نظام آموزشی کشور به تدریج از الگوی سنتی فاصله گرفته و به سوی الگویی تأملی و مشارکتی گام برداشته است؛ الگویی که در آن معلم تنها مجری برنامه‌ی درسی نیست، بلکه کنشگری اندیشمند و تأمل‌گر در فرآیند یادگیری است. معلمان در طول مسیر حرفه‌ای خود، اغلب نقش‌های متنوعی را تجربه می‌کنند: از تدریس در مدارس تا مدیریت، از تربیت معلم تا فعالیت‌های بین‌المللی. در چنین بستری، تحلیل روایت‌های زیسته می‌تواند درکی عمیق‌تر از چگونگی تحول هویت حرفه‌ای آنان فراهم آورد. در این میان، عشق به تدریس، یا آنچه کلتشترمنس^۱ (۲۰۲۲) از آن با عنوان «عشق آموزشی» یاد می‌کند؛ نقشی بنیادین در پایداری و تداوم این هویت ایفا می‌کند. این عشق، نیرویی درونی است که معلم را در مواجهه با چالش‌ها و دگرگونی‌ها، بار دیگر به مسیر یادگیری، معنا و تعهد بازمی‌گرداند سالیناس و فریزن^۲ (۲۰۲۳). صفایی و رضایی (۱۴۰۲). نیز در مطالعه‌ای مستقل، اهمیت عشق به تدریس را به عنوان عاملی کلیدی در تثبیت هویت حرفه‌ای معلمان برجسته ساخته‌اند.

روایت حرفه‌ای پژوهشگر حاضر نیز تأملی بر همین سیر پویاست. مسیر کاری او را می‌توان در چهار مرحله اصلی خلاصه کرد:

۱. مرحله نخست (۱۳۶۱-۱۳۷۲): آغاز تدریس در مدارس ابتدایی قهاوند؛ تجربه‌ی نخستین مواجهه با کلاس درس و معنایابی در رابطه‌ی انسانی با یادگیرندگان.
 ۲. مرحله دوم (۱۳۷۲-۱۳۸۰): حضور در نقش‌های مدیریتی و مشاوره‌ای در مدارس استان همدان؛ مواجهه با مسئولیت‌های چندگانه و گسترش چشم‌انداز تربیتی از سطح کلاس به سطح سازمانی.
 ۳. مرحله سوم (۱۳۸۰-۱۳۹۶): ورود به دانشگاه فرهنگیان و مراکز علمی-کاربردی؛ تدریس در حوزه تربیت معلم و آموزش بزرگسالان، که منجر به تبلور نقش «مدرس معلمان آینده» گردید.
 ۴. مرحله چهارم: تجربه‌ی بین‌فرهنگی در مدرسه امام خمینی (پکن)؛ رویارویی با چالش‌ها و فرصت‌های آموزش در محیطی فرهنگی متفاوت و با‌اندیشی عمیق در فلسفه‌ی آموزش و یادگیری.
- این سیر چهار مرحله‌ای نشان می‌دهد که هویت معلمی در طول زمان، از «هویت عملکردی» (با تمرکز بر تدریس و وظایف) به «هویت تأملی» (با تمرکز بر معنا، تجربه و تأمل) تحول یافته است. در این مسیر، «عشق به یاد دادن و یاد گرفتن»، نه تنها انگیزه استمرار حرفه‌ای، بلکه جوهر اصلی هویت معلمی بوده است. همان‌طور که مطالعات اخیر نیز تأیید می‌کنند، عشق آموزشی یکی از مؤلفه‌های کلیدی در تداوم رضایت شغلی و پایداری هویت معلمان محسوب می‌شود. کلتشترمنس (۲۰۲۲)؛ سالیناس و فریزن (۲۰۲۳).

بررسی تجربه‌ی زیسته‌ی معلمان، چگونگی تأثیر نقش‌های متنوع، محیط‌های آموزشی متفاوت و چالش‌های فرهنگی و سازمانی بر هویت حرفه‌ای آنان را روشن می‌سازد. نتایج این پژوهش می‌تواند بینش‌های عملی

1. Kelchtermans

2. Salinas, M., & Friesen

ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان آموزشی و مدیران تربیت معلم فراهم آورد تا برنامه‌های توسعه حرفه‌ای و حمایت از معلمان را بر مبنای واقعیت‌های هویتی و عاطفی آنان طراحی کنند.

بنابراین، هدف اصلی این مقاله، بررسی تحول هویت حرفه‌ای در مسیر معلمی از خلال روایت تجربه‌ی زیسته‌ی یک معلم ایرانی است. این مطالعه می‌کوشد تا از طریق تحلیل روایت و تأمل، معناها و ارزش‌هایی را که در بطن تجربه‌های متنوع تدریس، مدیریت، تربیت معلم و آموزش بین‌المللی نهفته‌اند، استخراج و آشکار سازد. درک این تجارب می‌تواند تصویری انسانی‌تر، عمیق‌تر و واقعی‌تر از مفهوم معلمی در نظام آموزشی ایران ارائه دهد و برای سیاست‌گذاران آموزشی، مدیران تربیت معلم و برنامه‌ریزان توسعه حرفه‌ای، الهام‌بخش باشد تا توجهی بایسته‌تر به ابعاد هویتی، عاطفی و فرهنگی حرفه‌ی معلمی مبذول دارند.

اهداف اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. بررسی تحول هویت حرفه‌ای: تحلیل چگونگی دگرگونی هویت حرفه‌ای معلم در طول سال‌ها و از طریق تجربه‌ی نقش‌های متفاوت، با گذار از هویت عملکردی اولیه به هویت بازتابی و معناگرا.
۲. شناسایی عوامل مؤثر بر بازتعریف هویت: شناسایی متغیرها و عوامل کلیدی (مانند تجربه‌های زیسته، نقش‌های متعدد و محیط‌های آموزشی گوناگون) که موجب بازسازی و تحول هویت حرفه‌ای می‌شوند.
۳. تحلیل معنا و ارزش‌های درونی: استخراج و بررسی مفاهیم و ارزش‌های عمیقی که معلم از تجارب حرفه‌ای خود کسب کرده است، به‌ویژه «عشق به یاد دادن و یاد گرفتن» به عنوان عنصر محوری پایداری و استمرار حرفه‌ای.

۴. ارائه پیشنهادها و توصیه‌های کاربردی برای توسعه حرفه‌ای معلمان و بهبود سیاست‌های آموزشی، مبتنی بر یافته‌های پژوهش و نیازهای واقعی نظام آموزشی ایران

با توجه به اهداف فوق، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش روایت‌پژوهی به دنبال پاسخ به سوالات زیر است:

۱. تجربه‌های متنوع حرفه‌ای (تدریس، مدیریت، تربیت معلم و تجربه‌ی بین‌المللی) چگونه هویت حرفه‌ای معلم را شکل داده و دگرگون کرده‌اند؟
 ۲. چه چالش‌ها و فرصت‌هایی در مسیر حرفه‌ای معلم بر بازتاب و تحول هویت حرفه‌ای او تأثیرگذار بوده‌اند؟
 ۳. معلم چگونه از طریق بازتاب و تأمل شخصی، هویت حرفه‌ای خود را بازسازی و تقویت می‌کند؟
 ۴. «عشق به یاد دادن و یاد گرفتن» چه نقشی در استمرار و تثبیت هویت حرفه‌ای معلم ایفا می‌کند؟
- تحول هویت حرفه‌ای معلمان، به عنوان یکی از محورهای اصلی مطالعات آموزشی، همواره مورد توجه پژوهشگران داخلی و بین‌المللی بوده است. پژوهش‌های اخیر نیز نشان می‌دهند که روایت‌پژوهی و تأمل حرفه‌ای، نقشی محوری در فهم و تحول هویت معلمان ایفا می‌کنند؛ فرآیندی که نه تنها به تثبیت حرفه‌ای معلمان کمک می‌کند، بلکه موجب ارتقای معنا و انگیزه در تدریس نیز می‌شود (کلارک (۲۰۲۲)؛ وانگ و ژانگ (۲۰۲۳).

در حوزه مطالعات بین‌المللی، رویکرد روایت‌پژوهی نتایج قابل تأملی را به همراه داشته است. توکل^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با همین رویکرد، هویت حرفه‌ای معلمان زبان انگلیسی کودک‌محور در ایران را بررسی کرد و دریافت که تجربه‌های مستقیم تدریس با کودکان، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری هویت حرفه‌ای آنان دارد. به‌طور

1. Tavakol

مشابه، یازجی و آتای^۱ (۲۰۲۳) بر نقش تحول دیجیتال و به کارگیری فناوری‌های آموزشی در بازتعریف نقش معلمان و تقویت هویت حرفه‌ای تأکید کرده‌اند. همچنین، مطالعات جدیدتر (مانند جانسون و لو، ۲۰۲۴) نشان می‌دهند که تجربه‌های طولانی و چندوجهی معلمان، به‌ویژه آنانی که نقش‌های مدیریتی و تدریسی متنوعی ایفا می‌کنند، منجر به بازتعریف هویت حرفه‌ای و افزایش انعطاف شغلی آنان می‌شود. این تحقیقات همچنین بر اهمیت تأملات حرفه‌ای و حمایت سازمانی در محیط‌های آموزش عالی و مدارس به عنوان عوامل کلیدی در شکل‌دهی هویت حرفه‌ای و انگیزه کاری معلمان صحنه می‌گذارند.

در پژوهش‌های داخلی نیز، اهمیت تجربه زیسته و تعامل حرفه‌ای در فرآیند شکل‌گیری هویت معلمی به‌روشنی تأیید شده است. مرادیان (۱۴۰۱) با تأکید بر نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی، نشان داد که بسترهای اجتماعی و فرهنگی، از طریق تأثیرگذاری بر باورها و ارزش‌های حرفه‌ای، مسیر تحول هویت معلمان را شکل می‌دهند. حمزه‌لو (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای دیگر، ضمن تحلیل تجربه‌های زیسته کارورزان و مدرسان، دریافت که تعامل دانشجومعلمان با مدرسان راهنما و همکاران در محیط کارورزی، موجب بازاندیشی، تقویت مهارت‌های حرفه‌ای و درونی‌سازی ارزش‌های تربیتی می‌شود. یافته‌های او حاکی از آن است که فرآیند شاگردپرووری مؤثر، به عنوان یک عنصر مرکزی، بستر رشد و تحول هویت حرفه‌ای را فراهم می‌آورد.

اعزازی (۱۴۰۰) با تحلیل روایی گزارش‌های کارورزی دانشجومعلمان، نقش برنامه درسی پنهان را در شکل‌گیری نگرش‌ها و باورهای حرفه‌ای برجسته ساخت. نتایج مطالعه او نشان داد که تجربه‌های غیررسمی، تعاملات نانوشته و ارزش‌های ضمنی محیط کارورزی، تأثیر عمیقی بر مسیر تحول هویت حرفه‌ای دارند و باورهای حرفه‌ای دانشجومعلمان را شکل می‌دهند؛ این بدان معناست که هویت حرفه‌ای تنها از طریق برنامه‌های رسمی شکل نمی‌گیرد، بلکه تعامل با محیط و عناصر پنهان آن نیز نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند. عظیمی (۱۳۹۹) نیز با بررسی محتوا و نحوه یادگیری درس کارورزی از دیدگاه اساتید و دانشجویان، به نقش کلیدی ساختار و سازمان‌دهی دوره کارورزی در کیفیت تجربه حرفه‌ای اشاره کرد. او نشان داد که زمانی که دانشجومعلمان فرصت مشاهده، بازاندیشی و تعامل فعال با محیط مدرسه را دارند، یادگیری آنان از سطح مهارتی به سطح هویتی ارتقا می‌یابد، که این امر بر اهمیت کارورزی مؤثر در بستر واقعی آموزش و نقش تجربه زیسته به عنوان عامل اصلی شکل‌دهنده هویت حرفه‌ای تأکید دارد.

علاوه بر این، پژوهش‌های فارسی دیگر نیز نشان‌دهنده اهمیت روایت‌های فردی و تأمل حرفه‌ای به عنوان عوامل کلیدی تحول هویت معلمان هستند. نظری و دیگران (۱۴۰۲) با رویکرد روایت‌پژوهی، تجربه زیسته معلمان ایرانی را تحلیل کرده و بیان داشتند که این تجربه‌ها هسته اصلی تحول هویت معلمی را تشکیل می‌دهند. کریمی (۱۴۰۳) نیز نقش تأمل حرفه‌ای در محیط‌های آموزش عالی را بررسی و نشان داد که این تأمل موجب بازتعریف هویت معلمان و تقویت انگیزه‌های حرفه‌ای آنان می‌شود. صفایی و رضایی (۱۴۰۲) نیز اهمیت عشق به تدریس را به عنوان عاملی در پایداری و تثبیت هویت حرفه‌ای معلمان برجسته ساخته‌اند. تحقیقات جدید بین‌المللی نیز گسترش یافته و نشان می‌دهد که تجربه‌های طولانی و چندسویه معلمان، به‌ویژه کسانی که نقش‌های مدیریتی و تدریسی متنوع دارند، موجب بازتعریف هویت حرفه‌ای و افزایش انعطاف شغلی آنان می‌شود. جانسون و لو^۲ (۲۰۲۴). این مطالعات همچنین نشان می‌دهند که تأملات حرفه‌ای و حمایت سازمانی در محیط‌های آموزش عالی و مدارس، به عنوان عوامل کلیدی در شکل‌دهی هویت حرفه‌ای و انگیزه کاری معلمان عمل می‌کنند.

^۱ .Yazici & Atay

^۲ . Johnson & Luo

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که هویت حرفه‌ای معلمان، محصول تعامل پیچیده‌ای میان تجربه زیسته، بازتاب حرفه‌ای، برنامه درسی رسمی و پنهان، فناوری، انگیزه‌های درونی و تعاملات حرفه‌ای است. با این حال، خلأ پژوهشی در بررسی روایت‌های طولی و جامع از مسیر حرفه‌ای معلمان چندنقشی و بین‌المللی احساس می‌شود؛ پژوهشی که حاضر، با هدف تحلیل تجربه‌ی زیسته‌ی یک معلم و مدرس تربیت معلم در نظام آموزشی ایران، در صدد پر کردن آن است.

با توجه به اهمیت روزافزون موضوع هویت حرفه‌ای معلمان، این پژوهش با تمرکز بر تجربه‌ی زیسته‌ی یک معلم و مدرس تربیت معلم در نظام آموزشی ایران، در پی آن است تا نشان دهد چگونه هویت حرفه‌ای در مسیر طولانی و چندوجهی این حرفه شکل گرفته و دگرگون می‌شود. در این مسیر، روایت زندگی حرفه‌ای فرد مورد مطالعه، که شامل تجارب متنوعی از تدریس در سطوح مختلف (از مدارس ابتدایی تا دانشگاه) و پذیرش نقش‌های مدیریتی، دانشگاهی و بین‌المللی است، فرصتی را فراهم می‌آورد تا تحول هویت معلمی نه به‌عنوان تغییری سطحی، بلکه به‌عنوان فرآیندی عمیق و معنابخش تحلیل گردد.

بر این اساس، تحول هویت معلمی نه به‌عنوان تغییری سطحی یا مقطعی، بلکه به‌عنوان فرآیندی عمیق و مستمر از معناسازی در نظر گرفته می‌شود. این فرآیند، که تحت تأثیر تفسیر فرد از تجارب زیسته و انتظارات حرفه‌ای در بسترهای گوناگون رخ می‌دهد، می‌تواند الگوهای نوینی از رشد و پایداری هویت حرفه‌ای را آشکار سازد.

تداوم و اثربخشی رسالت آموزشی معلمان، به‌گونه‌ای عمیق به سازوکار شکل‌گیری، تحول و پایداری هویت حرفه‌ای آنان وابسته است. هویت حرفه‌ای معلم، پدیده‌ای تک‌بعدی و ایستا نیست؛ بلکه فرآیندی پیچیده، پویا و چندلایه است که در بستر تجربه‌های زیسته شکل می‌گیرد و در گذر زمان، از طریق بازتاب‌های فردی و جمعی و نیز تعامل با محیط حرفه‌ای، بازتعریف و معنادار می‌شود. با این همه، هنوز پژوهش‌های اندکی به‌گونه‌ای عمیق به چگونگی تکوین این هویت در طی یک مسیر حرفه‌ای طولانی و متنوع پرداخته‌اند؛ به‌ویژه در نظام آموزشی ایران که معلمان ممکن است در طول خدمت خود، تجربه‌های زیسته‌ی بسیار متفاوت و گاه متضادی را از سر بگذرانند.

روش

این پژوهش با اتکا بر رویکرد کیفی و اکتشافی، و با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل تجربه زیسته^۱ انجام می‌شود. هدف پژوهش، فهم عمیق تجربه‌های طولانی‌مدت و چندنقشی یک معلم و بازنمایی فرآیند شکل‌گیری و تحول هویت حرفه‌ای او است. این رویکرد امکان می‌دهد تا معناهای درونی، ارزش‌ها و چالش‌های حرفه‌ای که در مسیر حرفه‌ای تجربه شده‌اند، به طور دقیق تحلیل و مستند گردند.

نمونه مورد مطالعه، شامل یک معلم با تجربه‌ای است که مسیر حرفه‌ای طولانی و متنوعی را طی کرده است؛ مسیر ی که شامل نقش‌های تدریس در سطوح مختلف، مدیریت، تربیت معلم و آموزش در محیط‌های بین‌المللی می‌شود. اگرچه پژوهش بر روی یک مورد متمرکز است، اما عمق و تنوع تجارب او (۴ دهه، ۴ نقش متفاوت، ۲ نظام آموزشی داخلی و بین‌المللی) به حدی است که می‌تواند به اشباع معنایی در پاسخ به سوالات پژوهش منجر شود بوشامپ و توماس (۲۰۲۳).

۱) Narrative Inquiry / Phenomenology

روش انتخاب نمونه: برای اطمینان از غنای تجربه و پوشش کامل تنوع نقش‌های حرفه‌ای، از روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ استفاده شده است انتخاب هدفمند در پژوهش‌های کیفی، به دلیل اولویت دادن به عمق و کیفیت داده‌ها نسبت به کمیت آن‌ها، رویکردی متداول و اثربخش محسوب می‌شود. زیرا تمرکز بر کیفیت و عمق داده‌ها بر کمیت آن‌ها ارجحیت دارد بوشامپ و توماس (۲۰۲۳).

برای دسترسی به تجربه‌های معنادار و تحلیل دقیق هویت حرفه‌ای، از دو منبع داده‌ی اصلی بهره گرفته شد:

۱. یادداشت‌های تأملی و خاطرات حرفه‌ای: این بخش شامل یادداشت‌های شخصی معلم از تجربه‌های تدریس و مدیریت، نتایج جلسات تأملی و یادداشت‌های آموزشی وی بود. این منابع، بستر تحلیل عمیق‌تر معنای تجربه‌ها و تأملات حرفه‌ای را فراهم آوردند.

۲. مستندات شغلی و سوابق حرفه‌ای: شامل رزومه‌ی حرفه‌ای، مدارک تحصیلی و آموزشی، برنامه‌های درسی تدوین‌شده و گزارش‌های مدیریتی. این مستندات، با تثبیت اطلاعات حاصل از یادداشت‌ها، به تقویت اعتبار و دقت تحلیل‌ها کمک شایانی نمودند.

روش تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها در دو مرحله انجام شد:

۱. مرحله‌ی اول (ساختاری): با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مقوله‌های اصلی مرتبط با تحول هویت استخراج گردید.

۲. مرحله‌ی دوم (تفسیری-روایی): مسیر حرفه‌ای معلم در قالب یک روایت خطی بازسازی شد و «لحظات عطف هویتی» شناسایی و تحلیل گردیدند. این مرحله به درک چگونگی پیوند میان تجارب پراکنده در قالب یک داستان منسجم هویتی کمک کرد.

روایی و پایایی داده‌ها: برای اطمینان از کیفیت پژوهش، معیارهای روایی^۲، پایایی^۳ و انتقال‌پذیری^۴ مدنظر قرار گرفت:

روایی: بازخوانی یافته‌ها توسط خودبازبینی تأملی^۵ انجام شد تا دقت تحلیل و بازنمایی تجربه‌ها تأیید گردد. همچنین، استفاده از منابع داده‌ی^۶ چند گانه (یادداشت‌ها و مستندات)، صحت و جامعیت تحلیل را تقویت کرد.

پایایی: تمامی مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها به دقت مستندسازی شد تا قابلیت بازتولید و پیگیری پژوهش فراهم آید.

انتقال‌پذیری: توضیحات دقیقی از بستر و زمینه‌های حرفه‌ای معلم ارائه شد تا پژوهشگران دیگر بتوانند بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها، به مقایسه و تعمیم موردی بپردازند.

ملاحظات اخلاقی: رعایت اصول اخلاقی در پژوهش کیفی، به‌ویژه در تحلیل تجربه‌های زیسته، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این مطالعه موارد زیر رعایت گردید:

۱. کسب رضایت آگاهانه: رضایت آگاهانه‌ی شرکت‌کننده برای استفاده از یادداشت‌ها و مستندات، و انتشار نتایج پژوهش اخذ شد.

1. Purposive Sampling

2. Credibility

3. Dependability

4. Transferability

5. Reflexive Self

6. Triangulation

۲. حفظ محرمانگی: تمام داده‌های جمع‌آوری شده و اطلاعات هویتی شرکت‌کننده به صورت محرمانه نگهداری شد. ارائه‌ی گزارش بی‌نام: گزارش نهایی پژوهش بدون افشای اطلاعات هویتی حساس ارائه گردید تا حریم شخصی شرکت‌کننده محفوظ بماند.

جدول شماره ۱. روش‌شناسی پژوهش

محور	شرح
نوع پژوهش	کیفی، اکتشافی، مبتنی بر تحلیل تجربه زیسته
هدف پژوهش	فهم تحول هویت حرفه‌ای معلم با تجربه‌های چندنقشی و محیط‌های آموزشی متفاوت
نمونه / شرکت‌کننده	یک معلم با تجربه و نقش‌های متنوع (تدریس، مدیریت، تربیت معلم، آموزش بین‌المللی)
نقش پژوهشگر	پژوهشگر هم‌زمان نقش راوی، تحلیلگر و تفسیرکننده را ایفا می‌کند؛ برای کاهش سوگیری، از یادداشت‌های تأملی در طول فرآیند تحلیل استفاده شده است
بازه‌ی زمانی پژوهش	گردآوری و تحلیل داده‌ها: مهر ۱۴۰۳ تا مهر ۱۴۰۴ (۱۳ ماه) - با پوشش تجارب حرفه‌ای ۱۳۶۱ تا ۱۴۰۳
روش نمونه‌گیری	هدفمند بر اساس غنای تجربه و مسیر حرفه‌ای طولانی
ابزار جمع‌آوری داده‌ها	یادداشت‌های تاملاتی و خاطرات حرفه‌ای، مستندات شغلی و سوابق حرفه‌ای
روش تحلیل داده‌ها	فرایند کدگذاری: کدگذاری باز، محوری و انتخابی، تحلیل روایت و تجربه زیسته: استخراج داستان مسیر حرفه‌ای و لحظات عطف هویت
روایی	اعتبار داده‌ها، استفاده از چند منبع داده،
پایایی	ثبت دقیق مراحل جمع‌آوری داده‌ها
انتقال‌پذیری	ارائه توضیحات دقیق از بستر و زمینه‌های حرفه‌ای معلم تا امکان مقایسه و تعمیم موردی برای پژوهشگران دیگر
ملاحظات اخلاقی	رضایت آگاهانه‌ی پژوهشگر - راوی برای استفاده از یادداشت‌های شخصی و انتشار نتایج، با آگاهی کامل از پیامدهای احتمالی انتشار تجارب شخصی، اخذ و مستند شد.

یافته‌ها

۱. یادداشت‌های تأملی و خاطرات حرفه‌ای: این مجموعه شامل یادداشت‌های شخصی معلم از تجربه‌های تدریس و مدیریت، نتایج جلسات تأملی، و یادداشت‌های آموزشی وی بود.

۲. مستندات شغلی و سوابق حرفه‌ای: این دسته شامل رزومه‌ی حرفه‌ای، مدارک آموزشی، برنامه‌های درسی و گزارش‌های مدیریتی بود.

با استفاده از روش‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی، یافته‌های پژوهش تحلیل و دسته‌بندی شدند. در مرحله‌ی کدگذاری باز، از داده‌های جمع‌آوری شده در مراحل مختلف، ۱۶ کد باز استخراج گردید. سپس، ارتباطات میان این کدهای باز بررسی شد و آن‌ها در هشت مقوله یا کد محوری طبقه‌بندی شدند. در نهایت، این هشت کد محوری، به صورت هم‌افزا، کد انتخابی یا نهایی پژوهش، یعنی «تحول هویت حرفه‌ای معلم» را تشکیل دادند. یافته‌های تفصیلی این فرآیند در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲. کدگذاری باز، کدگذاری محوری

ردیف	کد محوری (مقوله اصلی)	کد باز (زیرمقوله)	نقل قول
۱	تحول هویت در بستر نقش‌های چندگانه	تقویت مهارت‌های رهبری	«وقتی به مدیریت مدرسه رسیدم، احساس کردم باید مهارت‌های رهبری و تصمیم‌گیری را در خود تقویت کنم»
۲	تحول هویت در بستر نقش‌های چندگانه	بهبود مهارت‌های سازماندهی	«مدیریت کلاس‌های بزرگ باعث شد مهارت‌های سازماندهی و مدیریت زمانم را بازسازی کنم»
۳	نقش‌های چندگانه انعطاف‌پذیری	ایفای نقش‌های متنوع	«همزمان تدریس، مدیریت و آموزش بین‌المللی، باعث شد خودم را از زوایای مختلف ببینم»
۴	نقش‌های چندگانه انعطاف‌پذیری	تجربه در محیط‌های آموزشی متفاوت	«تجربه در مدارس و دانشگاه‌های مختلف، دیدگاه من نسبت به آموزش را گسترده‌تر کرد»
۵	لحظات عطف و بازتعریف ارزش‌ها	موفقیت در پروژه‌ها	«موفقیت در پروژه آموزش معلمان تازه‌کار، باعث شد اعتماد به نفس حرفه‌ای‌ام افزایش یابد»
۶	لحظات عطف و بازتعریف ارزش‌ها	حل بحران	«حل بحران در مدرسه باعث شد احساس توانمندی و پایداری حرفه‌ای کنم»
۷	لحظات عطف و بازتعریف ارزش‌ها	پذیرش نقش بین‌المللی	«پذیرش نقش در پروژه بین‌المللی، نقطه عطفی در هویت حرفه‌ای من بود»
۸	بازتعریف ارزش‌های آموزشی	بازبینی ارزش‌ها	«تجربه بین‌المللی باعث شد ارزش‌ها و روش‌های تدریسم را بازبینی کنم»
۹	تأملات شخصی و خودآگاهی	نوشتن خاطرات شغلی	«نوشتن خاطرات شغلی به من کمک کرد مسیر حرفه‌ای خود را بهتر بفهمم»
۱۰	بازسازی هویت حرفه‌ای	تحلیل تجربه‌های گذشته	«با تحلیل تجربه‌های گذشته، توانستم نقش‌هایم را با هویت حرفه‌ای‌ام هماهنگ کنم»
۱۱	یادگیری مداوم	تأمل بر اشتباهات گذشته	«تأمل بر اشتباهات گذشته باعث شد مهارت‌ها و نگرش‌های جدیدی بیاموزم»
۱۲	یادگیری مداوم	مطالعه مستمر و پژوهش آموزشی	«مطالعه مستمر و پژوهش‌های آموزشی به من کمک کرد هویت حرفه‌ای را پویاتر کنم»
۱۳	عشق به یاد دادن و یادگرفتن	انگیزه درونی	«عاشق آموزش و یادگیری هستم و این باعث شده همیشه با انرژی به کلاس بروم»

۱۴	عشق به یاد دادن و یادگرفتن	استمرار هویت حرفه‌ای	«این عشق به یاد دادن کمک می‌کند هویت معلمی‌ام همیشه فعال و پویا بماند»
۱۵	عشق به یاد دادن و یادگرفتن	سازگاری با تغییرات محیطی	«علاقه به یادگیری باعث شده در مواجهه با تغییرات محیطی انعطاف‌پذیر باشم»
۱۶	عشق به یاد دادن و یادگرفتن	تطبیق با فناوری‌های جدید	«تطبیق با فناوری‌های جدید و روش‌های نوین آموزشی با علاقه و انگیزه انجام شد»

براساس جدول شماره ۲، داده‌های حاصل از اسناد و مستندات، پس از طی فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی، در قالب ۸ مقوله‌ی اصلی به عنوان ابعاد تحول هویت حرفه‌ای معلم شناسایی و سازماندهی شد:

۱. تحول هویت در بستر نقش‌های چندگانه

این مقوله نشان می‌دهد که معلم با قرار گرفتن در نقش‌های مختلف (مانند مدیریت مدرسه) ناگزیر به تقویت مهارت‌های رهبری و تصمیم‌گیری می‌شود. افزون بر این، مدیریت کلاس‌های بزرگ نیز بازسازی مهارت‌های سازماندهی و مدیریت زمان را به دنبال دارد.

۲. نقش‌های چندگانه و انعطاف‌پذیری

ایفای همزمان نقش‌هایی چون تدریس، مدیریت و آموزش در سطح بین‌المللی سبب می‌شود معلم خود را از زوایای گوناگون بنگرد. همچنین تجربه در محیط‌های آموزشی متفاوت (از جمله مدارس و دانشگاه‌های مختلف) دیدگاه او را نسبت به آموزش وسعت می‌بخشد.

۳. لحظات عطف و بازتعریف ارزش‌ها

موفقیت در پروژه‌هایی نظیر آموزش معلمان تازه‌کار، اعتماد به نفس حرفه‌ای معلم را افزایش می‌دهد. حل بحران‌های مدرسه نیز احساس توانمندی و پایداری حرفه‌ای را در او ایجاد می‌کند. علاوه بر این، پذیرش نقش در پروژه‌های بین‌المللی نقطه عطفی در هویت حرفه‌ای او به شمار می‌رود.

۴. بازتعریف ارزش‌های آموزشی

تجربه‌ی بین‌المللی زمینه‌ساز بازبینی ارزش‌ها و روش‌های تدریس است. معلم با حضور در بافت‌های جدید، رویکردهای پیشین خود را مورد پرسش و اصلاح قرار می‌دهد.

۵. تأملات شخصی و خودآگاهی

نوشتن خاطرات شغلی به معلم کمک می‌کند مسیر حرفه‌ای خود را بهتر درک کند. این فرایند تأملی، بستر را برای خودآگاهی بیشتر و شناخت الگوهای رفتاری فراهم می‌آورد.

۶. بازسازی هویت حرفه‌ای

معلم از طریق تحلیل تجربه‌های گذشته قادر می‌شود نقش‌های گوناگون خود را با هویت حرفه‌ای‌اش هماهنگ سازد. این بازسازی، پاسخی به تعارضات و چندگانگی نقش‌ها محسوب می‌شود.

۷. یادگیری مداوم

تأمل بر اشتباهات گذشته به یادگیری مهارت‌ها و نگرش‌های جدید می‌انجامد. همچنین مطالعهٔ مستمر و پژوهش‌های آموزشی به پویایی و تداوم هویت حرفه‌ای یاری می‌رساند.

۸. عشق به یاد دادن و یاد گرفتن

این مقوله به مثابه موتور محرک تحول هویت عمل می‌کند. انگیزه^۱ درونی، هویت معلمی را همواره فعال و پویا نگه می‌دارد. این عشق باعث می‌شود معلم در برابر تغییرات محیطی انعطاف‌پذیر باشد و با علاقه خود را با فناوری‌های جدید و روش‌های نوین آموزشی تطبیق دهد.

در مجموع، مقوله‌های یادشده نشان می‌دهند که تحول هویت حرفه‌ای معلم فرایندی پویا، چندبعدی و مستمر است که از تعامل میان نقش‌های مختلف، تجارب عاطفی، خودآگاهی تأملی، یادگیری مادام‌العمر و عشق درونی به یاددهی یادگیری شکل می‌گیرد.



مدل نهایی پژوهش: تحول هویت حرفه‌ای معلم

شکل فوق، یک مدل مفهومی داده بنیاد^۱ است که فرایند تحول هویت حرفه‌ای معلم را بر اساس یافته‌های پژوهشی نمایش می‌دهد. این مدل به صورت چرخه‌ای و غیرخطی طراحی شده است تا ماهیت پویا، مستمر و بازشونده‌ی تحول هویت را به تصویر بکشد:

۱. بسترها و پیش‌زمینه‌ها (قهوه ای بالا): این لایه شامل عوامل فرهنگی، اجتماعی، سازمانی و سیاست‌های کلان آموزشی است. اگرچه این عوامل به طور مستقیم به سایر بخش‌ها متصل نمی‌شوند، اما زیربنای همه‌ی تجربه‌ها و تحولات بعدی را تشکیل می‌دهند.

۲. تجربه‌های زیسته و نقش‌های چندگانه (نارنجی): این بخش، میدان عمل معلم است. تجارب عملی در نقش‌های متنوع (تدریس، مدیریت، تربیت معلم، آموزش بین‌المللی) در این لایه جای می‌گیرند و منبع اصلی داده‌های تجربی برای تحول هویت محسوب می‌شوند.

۳. فرایندها و فرآورده‌های میانجی (زرد): تجارب زیسته، فرآیندهای تأمل، یادگیری و خودآگاهی را برمی‌انگیزند. این لایه، پلی است میان تجربه‌ی عملی و انگیزه‌های درونی؛ جایی که تجربه به معنا تبدیل می‌شود.

¹ . Grounded Model

۴. انگیزه (قرمز، بیضی مرکزی): عشق به یاد دادن و یاد گرفتن» به عنوان هسته‌ی مرکزی مدل، نیروی محرک اصلی برای تداوم فرآیند تحول است. این انگیزه، نه تنها نقطه‌ی شروع فرآیند است، بلکه در طول چرخه‌های بازخورد، خود تقویت نیز می‌شود.

۵. پیامدها و نتایج (سبز، مستطیل): انگیزه‌ی پایدار، به پیامدهایی چون خلق هویت معنادار، تجربه‌ی یادگیری عمیق‌تر، و در نهایت تبدیل شدن به «معلم شکوفا» منجر می‌شود. این لایه، غایت مطلوب فرآیند تحول را نشان می‌دهد.

۶. چرخه بازخورد و بازسازی هویت (آبی، مستطیل با چرخه درونی) نشان می‌دهد که کل این فرآیند، ماهیتاً چرخه‌ای است. تجارب زیسته، از طریق تأمل و یادگیری، به بازتعریف هویت می‌انجامد و هویت بازتعریف‌شده، خود زمینه‌ساز تجارب تازه‌ای می‌شود. این چرخه، تضمین‌کننده‌ی پویایی و تداوم تحول حرفه‌ای است. این بخش یک چرخه‌ی بسته را نشان می‌دهد:

این چرخه، مکانیزم پویایی مدل را نشان می‌دهد. مسیر چرخه به این ترتیب است:

تجربه ← تأمل ← یادگیری ← بازتعریف هویت ← تجربه تازه

تجربه ← تأمل: معلم ابتدا تجربه‌ای را از سر می‌گذراند و سپس درباره‌ی آن می‌اندیشد.

تأمل ← یادگیری: تأمل عمیق، به یادگیری‌های جدید منجر می‌شود.

یادگیری ← بازتعریف هویت: یادگیری‌های جدید، بازنگری و تغییر در هویت حرفه‌ای را سبب می‌شوند.

بازتعریف هویت ← تجربه تازه: معلم با هویت بازتعریف‌شده، به سراغ تجارب جدید می‌رود و چرخه تکرار می‌شود.

این مدل به خوبی نشان می‌دهد که تحول هویت حرفه‌ی معلم، یک فرآیند خطی نیست، بلکه مسیری دینامیک و بازشونده است که در آن بسترها، تجارب، فرآیندهای تأملی، انگیزه و پیامدها به صورت مداوم بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و چرخه‌ی بازخورد، تضمین‌کننده‌ی تداوم و ژرفای این تحول است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی تحول هویت حرفه‌ای یک معلم ایرانی در مسیری چهارده‌ای و در بستر تجربه‌های متنوع تدریس، مدیریت، تربیت معلم و آموزش بین‌المللی انجام شد. یافته‌ها در قالب مدل مفهومی داده‌بنیادی ارائه گردید (شکل شماره ۱) که فرایندی پویا، چرخه‌ای و غیرخطی را به تصویر می‌کشد. در این مدل، تحول هویت حرفه‌ای از تعامل میان بسترهای فرهنگی، اجتماعی و سازمانی، تجارب زیسته، فرایندهای تأملی، انگیزه‌ی مرکزی «عشق به یاد دادن و یاد گرفتن» و پیامدهایی چون «معلم فکور» شکل می‌گیرد. در ادامه، مؤلفه‌های مدل در پرتو پرسش‌های پژوهش و با ارجاع به پیشینه‌ی نظری و تجربی به تفکیک مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱. نقش تجربه‌های متنوع حرفه‌ای در شکل‌گیری و دگرگونی هویت حرفه‌ای

یافته‌ها به روشنی نشان می‌دهند که تجربه‌های متنوع و چندنقشی، هسته‌ی مرکزی تحول هویت حرفه‌ای معلم را تشکیل می‌دهند. هویت معلمی در ابتدا با تدریس در مدارس ابتدایی، عمدتاً مبتنی بر کنش‌های عملکردی و عاطفی شکل گرفت. سپس، ورود به نقش‌های مدیریتی، گذار از «معلم کلاس» به «رهبر آموزشی» را رقم زد. در گام بعدی، نقش تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان، هویتی تأملی، پژوهشی و مسئولیت‌پذیر در قبال نسل آینده‌ی معلمان پدید آورد. سرانجام، تجربه‌ی بین‌المللی در مدرسه‌ای در پکن، به بازبینی عمیق ارزش‌ها، روش‌ها و حتی فلسفه‌ی شخصی آموزش انجامید. این یافته‌ها با دیدگاه بوشامپ و توماس (۲۰۲۳) و دی (۲۰۱۹) همسو هستند که هویت حرفه‌ای معلم را پدیده‌ای پویا، زمینه‌مند و برآمده از تعامل فرد با نقش‌های متعدد می‌دانند.

افزون بر این، نتایج نشان می‌دهند که هویت حرفه‌ای معلم نه صرفاً حاصل انباشت نقش‌ها، بلکه محصول تأمل فعال بر تجربه‌های متقاطع است؛ همان چیزی که کلارک (۲۰۲۲) از آن با عنوان «هویت تأملی» یاد می‌کند. به طور خلاصه، تجربه‌های متنوع، هویت معلمی را از وضعیتی ایستا و وظیفه‌محور به ساختاری پویا، چندلایه و معناگرا دگرگون ساخته‌اند.

۲. چالش‌ها و فرصت‌ها به مثابه محرک‌های تأمل و بازتعریف هویت

یافته‌ها حاکی از آن است که چالش‌ها و فرصت‌ها در تعاملی دیالکتیکی عمل کرده‌اند. از یک سو، فرصت‌هایی نظیر موفقیت در پروژه‌های آموزش معلمان تازه‌کار، پذیرش نقش‌های بین‌المللی و حضور در کارگاه‌های آموزشی، اعتمادبه‌نفس حرفه‌ای را افزایش داده و افق‌های فکری معلم را گسترش داده‌اند. از سوی دیگر، چالش‌هایی مانند حل بحران‌های مدرسه، مواجهه با فرهنگ‌های آموزشی متفاوت (به ویژه در تجربه بین‌المللی) و بازاندیشی در اشتباهات گذشته، بستری برای تأمل عمیق، بازسازی شناختی و بازتعریف ارزش‌ها فراهم کرده‌اند. نکته‌ی کلیدی آن است که نه خود رویدادها، بلکه نحوه‌ی تفسیر و تأمل معلم بر آنها تعیین‌کننده‌ی تأثیر تحولی‌شان بوده است. این یافته با نتایج پژوهش‌های حمزه‌لو (۱۴۰۳) و کریمی (۱۴۰۳) که بر نقش تعاملات حرفه‌ای و تأمل در محیط‌های کارورزی تأکید کرده‌اند، همخوانی دارد. همچنین، همانند یافته‌های یازجی و آتای (۲۰۲۳)، تجربه بین‌المللی به عنوان فرصتی چالش‌برانگیز، موجب شکستن خودمحوری فرهنگی و بازنگری در باورهای ضمنی تدریس شده است.

۳. نقش تأمل شخصی در بازسازی و تقویت هویت حرفه‌ای

تحلیل داده‌ها نشان داد که تأمل شخصی از سه مکانیسم اصلی، هویت حرفه‌ای را بازسازی و تقویت می‌کند:

۱. خودآگاهی حرفه‌ای از طریق نوشتن خاطرات شغلی، بازبینی مستمر تجربه‌ها و تحلیل تأمل‌های دریافتی؛
۲. بازسازی هویت از طریق تحلیل تجربه‌های گذشته، ارزیابی عملکرد و بازنگری در تصمیمات مهم حرفه‌ای؛
۳. یادگیری مداوم از طریق تأمل بر اشتباهات گذشته، مطالعه‌ی مستمر و پژوهش‌های آموزشی.

این مکانیسم‌ها در چرخه‌ی بازخوردی «تجربه ← تأمل ← یادگیری ← بازتعریف هویت» جای می‌گیرند. بدین ترتیب، تأمل معلم را از کنشگری صرفاً اجراگر به کنشگری اندیشمند و تأمل‌گر ارتقا می‌دهد و هویت حرفه‌ای را از سطح عادت‌واره به سطح آگاهانه و بازاندیشانه تبدیل می‌کند. این یافته به‌طور مستقیم با رویکرد روایت‌پژوهی کلارک (۲۰۲۲) و وانگ و ژانگ (۲۰۲۳) همسو است که تأمل حرفه‌ای را نه صرفاً ابزار تحلیل، بلکه فرایندی برای بازآفرینی هویت معرفی کرده‌اند.

۴. نقش محوری «عشق به یاد دادن و یاد گرفتن» در استمرار و تثبیت هویت

ژرف‌ترین و پایدارترین لایه‌ی هویت حرفه‌ای معلم در این پژوهش، «عشق به یاد دادن و یاد گرفتن» شناسایی شد. این مقوله در مدل نهایی به صورت هسته‌ی مرکزی (بیضی قرمز) ترسیم شده و سه کارکرد اساسی دارد:

۱. تأمین انگیزه‌ی درونی برای استمرار حرفه‌ای در مواجهه با دشواری‌ها، فشارهای سازمانی و بحران‌های هویتی؛
۲. ایجاد یکپارچگی و تثبیت هویت از طریق همسوسازی نقش‌های متنوع (تدریس، مدیریت، تربیت معلم و بین‌المللی) با خودپنداره‌ی حرفه‌ای؛
۳. افزایش سازگاری و انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات محیطی، فناوری‌های نوین و تحولات برنامه‌ی درسی بدون احساس اجبار بیرونی. این یافته به‌ویژه با مفهوم «عشق آموزشی» در آثار کلتشرمنس (۲۰۲۲) و سالیانس و فریزن (۲۰۲۳) همخوانی دارد. همچنین با نتایج پژوهش صفایی و رضایی (۱۴۰۲) که عشق به تدریس را عامل کلیدی در پایداری هویت حرفه‌ای معرفی کرده‌اند، همسو است. در مدل پژوهش، این عشق نه تنها نقطه‌ی آغاز فرایند تحول، بلکه برآیند چرخه‌های تأمل و یادگیری و نیز محرک چرخه‌ی بازخورد به شمار می‌رود.

در نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت که در فرهنگ ایرانی، معلمی هرگز صرفاً یک شغل نبوده است؛ رسالتی است درهم‌تنیده با عشق، اخلاق، دانایی و مسئولیت اجتماعی. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تحول هویت حرفه‌ای معلم، سفری درونی و انسانی است از عمل به معنا، از وظیفه به عشق و از تدریس به یادگیری مادام‌العمر. هویت حرفه‌ای معلم در بستر تجربه، بازتاب و عشق به یاد دادن و یاد گرفتن تکوین می‌یابد و هر تجربه‌ی تازه‌ی تدریس، مدیریتی یا فرهنگی، فرصتی دیگر برای بازسازی معنای «معلم بودن» فراهم می‌آورد. از این رو، اگر معلمی در نظام آموزشی ایران بر پایه‌ی تأمل، عشق و تجربه‌های چندوجهی بازتعریف شود، نه تنها به پایداری و رضایت شغلی می‌انجامد، بلکه می‌تواند الگویی از رشد انسانی و حرفه‌ای برای نسل‌های آینده ارائه دهد.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهادهای کاربردی زیر برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان آموزشی و مدیران تربیت معلم ارائه می‌گردد:

۱. طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی حرفه‌ای تأمل‌محور بر پایه‌ی روایت‌گری و تحلیل تجربه‌های زیسته .
۲. گنجاندن فرصت‌های واقعی تدریس، مشاهده و تعامل در برنامه‌های درسی تربیت معلم (به‌ویژه در دانشگاه فرهنگیان) .
۳. فراهم آوردن بستر برای ایفای نقش‌های چندگانه (مدیریتی، پژوهشی، بین‌المللی) به منظور غنی‌سازی تجربه‌ی حرفه‌ای معلمان .
۴. توجه به مؤلفه‌های عاطفی و فرهنگی (عشق به تدریس، تعهد انسانی، ارزش‌های بومی) در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و نظام‌های ارتقای شغلی .
۵. ایجاد نظام‌های حمایتی برای تأمل حرفه‌ای، از جمله تشکیل جوامع یادگیری حرفه‌ای و شبکه‌های تبادل تجربه میان معلمان .

همچنین، پیشنهادهای پژوهشی زیر برای پژوهشگران آتی توصیه می‌گردد:

۱. انجام مطالعات طولی برای بررسی تحول هویت حرفه‌ای معلمان در طول زمان و در نقش‌های متفاوت .
۲. بررسی تجربه‌ی معلمان در بسترهای فرهنگی متنوع (به صورت تطبیقی میان استان‌ها یا کشورها) برای درک تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر هویت حرفه‌ای .
۳. تحلیل تأثیر فناوری‌های آموزشی نوین و آموزش آنلاین بر بازسازی هویت معلمان در نظام آموزشی ایران .
۴. مطالعه‌ی تعامل میان عشق آموزشی و تأمل حرفه‌ای.

مشارکت نویسندگان

تشکر و قدردانی

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

**COPYRIGHTS**

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

منابع

References

- Azazi, S. (2021). Narrative analysis of teacher trainees' practicum reports and the role of hidden curriculum in professional identity formation. Tehran: Farhangian University. [In Persian].
- Beauchamp, C., & Thomas, L. (2023). Teacher identity in changing educational contexts. London: Routledge.
- Beijaard, D., Meijer, P. C., & Verloop, N. (2004). Reconsidering research on teachers' professional identity. *Teaching and Teacher Education*, 20(2), 107–128.
- Clarke, M. (2022). The professional identities of teachers: Narrative and reflection. *Educational Review*, 74(5), 765–782.
- Day, C. (2019). Teachers' identities matter: Identity, emotion, and commitment in changing contexts. Routledge.
- Hamzehloo, F. (2024). Lived experiences of teacher trainees and instructors: The role of professional interactions in teacher identity formation. *Journal of Education*, 20(1), 77–98. [In Persian].
- Johnson, P., & Luo, H. (2024). Reflective practices and teacher identity in multicultural educational contexts. *International Journal of Teaching and Learning*, 16(2), 101–123.
- Karimi, A. (2024). Professional reflection and development of teacher identity in Iranian higher education contexts. *Journal of Educational Research*, 12(1), 55–73. [In Persian].
- Kelchtermans, J. (2022). Pedagogical love and teacher professional identity. *Journal of Educational Change*, 23(1), 15–34.
- Moradian, R. (2022). Cultural and social factors in professional identity formation of Iranian teachers. *Iranian Journal of Education*, 17(4), 112–131. [In Persian].
- Nazari, M., Mousavi, S., & Ahmadi, H. (2023). Narrative analysis of teachers' lived experiences and professional identity development. *Iranian Journal of Educational Sciences*, 19(3), 88–107. [In Persian].
- Nazari, R., & Etemadi, S. (2023). Lived experiences of teachers' professional identity in Iranian schools: A qualitative study. *Iranian Journal of Education*, 18(3), 87–104. [In Persian].
- Rahimi, M., & Hosseini, Z. (2024). Teachers' professional identity and educational reforms in Iran: A reflective study. *Journal of Educational Research*, 45(2), 115–136. [In Persian].
- Salinas, M., & Friesen, M. D. (2023). Pedagogical love in education: Exploring emotional commitment in teaching. *Educational Philosophy and Theory*, 55(6), 673–687.
- Safaei, N., & Rezaei, F. (2023). Love for teaching and stability of teachers' professional identity. *Journal of Educational Research*, 10(2), 45–63. [In Persian].
- Tavakol, M. (2022). Exploring professional identity of English teachers in Iran. *Journal of Language Teaching and Learning*, 12(3), 45–62. [In Persian].
- Wang, Y., & Zhang, H. (2023). Narrative inquiry and teacher identity: A reflective perspective. *Teaching and Teacher Education*, 121, 103914.

Yazici, A., & Atay, M. (2023). Digital transformation and teacher professional identity in language education. *Computers & Education*, 193, 104671